دکتر محمّد رحیم رهنما
دانشگاه فردوسی مشهد

موانع، مشکلات و راهکارهای جهانی شدن شهرهای ایران

چکیده

این مقاله از دو قسمت ترکیب‌یافته است. بخش اول شامل تشریح سابقه‌ی جهانی شـدن و معرّفـی الگوهای کوف و ای.تی.کارنی[1] و بیان جایگاه ایران در فرآیند جهانی شدن است. نتایج حاصل از این قسمت بیانگر جایگاه نه چنـدان مطلـوب ایـران در فرآینـد جهـانی شـدن براسـاس شـاخص‌هـای بـالا (پایین‌ترین رتبه دربین ۶۲ کشور) است. در بخش دوم فرآیند جهانی شدن شهرها، فرضیّه‌ها، راهکارهـا و تجربه‌ی برخی کشورها به ویژه شهرهای چینی و شهرهای کوچک اروپایی در فرآیند جهانی شـدن، بیان شده است. نتیجه‌ی نهایی این‌که شهرها زیر سیستم کلی کشور هستند، به هر نسبت که کشوری در جامعه‌ی جهانی ادغام شده است، به همان نسبت شهرهای آن کشور نیز می توانند به سمت جهانی شدن گام بردارند. بنابر این با توجّه به این‌که کشور ایران در مسیر جهانی شدن و ادغام در آن، راه طولانی در پیش دارد و باتوجه به پایین بودن جایگاه ایران درفرآیند جهانی شدن، بر اساس دو روش فـوق الـذکر، مسلّماً شهرهای ایران با چالش‌های جدّی مانند: کنترل گسترده‌ی دولت بر بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، اطّلاعاتی و فرهنگی و عدم سرمایه گذاری مستقیم خارجی روبرو هستند.

کلید واژه: موانع، مشکلات ، جهانی شدن، شهر، ایران

درآمد:

اصولاً جهان، سیستمی کلّی و کشورها زیر سیستمی از این سیستم بزرگ هستند. همچنین کـشورها نیـز بـه نوبه‌ی خود سیستمی واحد را تشکیل می دهند، که به لحاظ فضایی به دو زیر سیستم روستایی و شـهری تقـسیم شده‌اند. زیر سیستم روستایی، حدود ۳۲/۷٪ جمعیّت را شامل بوده و زیر سیستم شهری حـدود۶۷/۳٪ جمعیّـت

1. Kof & A.T.Kearney Index

کشور را در خود جای داده است.(سازمان مـدیریت و برنامـه ریـزی،۱۳۸۵ :۵۶). بنـابراین شـهرها زیـر سیـستمی از سیستم ملّی و کلّی کشور هستند. و در نتیجه پیوند و روابط متقابلی بین سسیتم ملّی و سیستم فرعی شهری وجـود دارد. مسلّماً هر اندازه سیستم ملی کشور با سیستم بین المللی در تعامل بیشتر باشد، به همان نسبت سیـستم شـهری نیز پویا تر و فعّالتر خواهد بود، و جهت عکس آن نیز صادق است. در چارچوب این فرضیّه، این تحقیق درصدد است با تحلیل سیستم کلّی کشور و تبیین جایگـاه آن در سیـستم جهـانی، جایگـاه شـهرهای ایـران را در فراینـد جهانی شدن تحلیل نماید.یعنی نمی توان بدون تحلیل جایگاه کشور در فرآیند جهانی شدن، جایگـاه شـهرهای ایران را مشخص کرد، در نتیجه این تحقیق درصدد پاسخ گویی به این مسأله از طریق بررسی جایگـاه ایـران در فرآیند جهانی شدن، به‌وسیله‌ی نتایج حاصل از کاربرد دو الگوی بالا(کوف و ای.تی.کارنی) می‌باشد.

آنچه مسلّم است، در ایران ادبیّات مربوط به جهانی شدن مراحل اوّلیّه را می گذراند، ولی سرعت انتـشار آن روبه به افزایش است، به گونه‌ای که از مجموع نوزده منبع مهم اعمّ از تألیف، ترجمه شامل کتاب و مقالـه کـه از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ در ایران چاپ و در جدول شماره ۱ مشخص شده، ۷۹٪ آنها از سال ۱۳۸۰ به این طرف بـه چاپ رسیده‌اند. این منابع نیز از دیدگاههای گوناگون و نه چندان منسجم جهانی شدن را مطرح کـرده‌انـد، کـه تعدادی از آنها تألیـف(ایران زاده، ۱۳۸۰،تهرانیان و دیگران، ۱۳۸۰،سلیمی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ ،اسدسنگابی و دیگران، ۱۳۸۰)، ترجمه (آلن جان اسکات،۱۳۸۴،رونالد رابرتسون، ۱۳۸۵، رامش میشرا،۱۳۸۴،آلبرو مارتین،۱۳۸۱ ، مانوئل کاستلز،۱۳۸۴) و مقاله در نشریات داخلی (صرافی،۱۳۷۷،مجتهد زاده، ۱۳۷۹،توسـلی،۱۳۸۱،افـروغ ،۱۳۸۲) مـی باشـند. و لـی کـار اساسی و عمده‌ی خاصّی در زمینه‌ی جهانی شدن شهرها صورت نگرفته ا ست. حتی تا به‌حال در هـیچ یـک از منابع فارسی الگو و روش‌های سنجش جهانی شدن کشورها از جمله؛ الگوهای فـوق‌الـذکر بـه چـاپ نرسـیده است. دراین مقاله خلاصه‌ای از تاریخچه‌ی جهانی شدن و تئـوری‌هـای مربـوط بـه آن بیـان شـده، روش‌هـای اندازه‌گیری شاخص جهانی شدن کشورها تشریح شده است. جایگاه ایران بر اساس این شاخص‌هـا در سلـسله مراتب جهانی و به تبع آن تلاش‌ها و چالش‌های شهرهای ایران در فرآیند جهانی شدن بیـان شـده اسـت. نتـایج حاصل از این تحقیق بیانگر این واقعیّت است که جایگـاه ایـران بـر اسـاس سـه گـروه عمـده شـاخص جهـانی شدن(اقتصادی،اجتماعی و سیاسی) بر پایه‌ی الگوی کوف در ردیـف ۱۱۵ از ۱۲۲ و الگـوی ای.تـی. کیـانری در مرتبه‌ی آخر(رتبه‌ی ۶۲) در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ قرار داشته است. این وضـعیت ضـرورت توجـه مراکـز علمی و اجرایی را به مسأله می‌طلبد، که باید در جهت بهبود شاخص‌ها و ترقّی جایگاه کشور در سلـسله مراتـب

جهانی شدن گام‌های اساسی بردارند. در غیر این‌صورت، تصویر روشنی از جایگاه ایران در عرصه‌ی جهانی وجود نخواهد داشت.

جدول شماره۱: منابع منتشر شده به فارسی اعمّ از ترجمه، تألیف در خصوص جهانی شدن(۸۵–۱۳۷۵)

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	جمع
تعداد		۴		۲	۳	۷		۱	۲		۱					۱	۲۰

هدف تحقیق

این تحقیق به دنبال دست یابی به اهداف زیر است:

۱. بررسی سابقه و تاریخ جهانی شدن و تحوّلات آن؛

۲. بیان تئوری‌ها و روش‌های اندازه‌گیری جهانی شدن؛

۳. تشریح ویژگی‌های شهرهای جهانی، فرضیّه‌ها و راهکارهای مربوط؛

۴. تحلیل جایگاه ایران و به تبع آن چالش‌های شهرهای ایرانی در فرآیند جهانی شدن.

تاریخچه‌ی جهانی شدن

بشر درقرن بیستم با اختراعات، ابتکارات و به‌کارگیری نبوغ خویش و استفاده از اتم توانست صفحات بزرگی از جرأت و شگفتی ایجاد کند. تأسیس کشورهای جدید همگی نشان از تلاش و حسّ استقلال‌طلبی و رشد آزاد اندیشی و تمایلات آزادی‌خواهی بشر نسبت به سایر قرون گذشته دارد.

روند تحوّلات در قرن بیستم در دهه‌ی ۱۹۷۰ وارد مرحله‌ی جدیدی شد. از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ در تمام زمینه‌ها نشان خود را بر جای گذاشت و برای رجوع به این دگرگونی ها مفاهیمی چون جامعه‌ی فرا صنعتی و فرامدرن (پست مدرن) به‌کار می‌رفت. امّا در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم جهانی شدن[1] رایج و به مفهوم مسلّط دوران معاصر تبدیل شده است، به گونه‌ای که امروزه همه چیز با توجّه به این مفهوم مورد بررسی قرار می گیرد

1. Globalization

(ایران زاده، ۱۳۸۰ : ۱۷). به گفته‌ی پل لادسین :دنیا کوچک است و جهانی شدن آن‌را حتی در روبرویی با بحران‌ها و اغتشاشات کوچک کرده است(لادسین، ۲۰۰۶: ۱).

در ظاهر، جهانی شدن یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود، امّا درواقع به معنای آزادی مطلق کسب و کار و برداشتن تمامی موانع ، جریان یافتن سهل و ساده سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه ها و حرکت روان اطّلاعات، امورمالیه، خدمات و بالأخره تداخل فرهنگ‌ها به سوی یکسان شدگی و یک دستی است.

از دیدگاه دیگر، عمده‌ترین ویژگی جهانی شدن، حاکم شدن تقسیم کار نوین جهانی و حرکت سرمایه‌گذاری به خارج از مرزهای ملّی است.

گروهی معتقداند که اصطلاح جهانی شدن به دوکتابی باز می گردد که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. کتاب اوّل تألیف مار شال مک لوهان، با عنوان: «جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی» و کتاب دوم نوشته‌ی برژنسکی است. مباحث کتاب اوّل بر نقش تحوّلات و وسایل ارتباطی در تبدیل شدن جهان به دهکده‌ی واحد جهانی متمرکز بود. مک لوهان در این کتاب، جهان را به سه دوره تقسیم کرده است:

۱. تمدن شفاهی یا کهکشان شفاهی؛

۲. تمدن مکتوب یا کهکشان گوتنبرگ که با اختراع چاپ آغاز شد.

۳. تمدن الکترونیک یا کهکشان مارکنی که با اختراع رادیو توسط مارکنی شروع شد.(ایران زاده، ۱۳۸۰: ۲۵).

مک لوهان معتقد است که جهان امروز به سوی دهکده قدیم (تمدن شفاهی) به پیش می‌رود. زیرا ارتباط افراد به صورت چهره به چهره بیشتر فراهم شده است و فرهنگ شفاهی توسط رادیو و تلویزیون و ماهواره و اینترنت اشاعه پیدا می کند. مک لوهان می گوید ارتباط چهره به چهره افراد عملاً به منصّه‌ی ظهور رسیده است.

امانوئل کاستلز[1] با اشاره به عصر اطّلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه‌ی شبکه‌ای می‌داند که در ادامه‌ی حرکت سرمایه‌داری، پهنه‌ی اقتصاد جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد. جامعه‌ی شبکه‌ای در ساختار و کارکردهای غالب خود پیرامون شبکه‌ها و جریان‌هایی شکل می گیرد، که نمود ظاهری آن سرمایه‌داری است، امّا این نوع سرمایه‌داری جدید به کلّی با آنچه که در عصر تمدن صنعتی ظهور یافته، تفاوت دارد. سرمایه‌داری

---

1. M. Castells

عصر فراصنعتی، متّکی به نوعی دینامیسم درونی است که مرز وحدّی را نمی‌شناسد و از انعطاف زیادی برخوردار است. فزون طلب و گسترش‌پذیر و بسط یابنده است و در عین حال متّکی به منطق شبکه است.

هر شبکه از تعداد بی‌شماری اتصال یا گره، مشابه سیناپس‌های سلسله اعصاب تشکیل یافته که سرمایه در میان آنها جریان می‌یابد و کنترل بر شبکه از طریق آنها اعمال می‌شود. حضور این پدیدار در صحنه‌ی جهانی، عالم را به دو قطب کلّی، اعضای شبکه و محرومان از شبکه، تقسیم می‌کند. در حالی که گروه دوم به تدریج در مسیر نابودی و انقراض رانده می‌شوند، هرچند که دراین مسیر احیاناً به حرکاتی تند و خشن برای جلوگیری از فنا توسل می‌جویند، گروه نخست به صاحبان قدرت و کنترل کنندگان واقعی نظم امور بدل می‌شوند(کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۸۰).

هاروی[1] فرآیند توسعه‌ی سریع جوامع و فرهنگ را در بر دارنده دو مفهوم فشردگی زمان و مکان و کاهش فاصله ها تلقی می کند. در واقع براساس نظر هاروی، فشردگی زمان و مکان مهمترین ویژگی جهانی شدن است، یعنی فاصله ها کم می‌شود یا از بین می‌رود. زمان لازم برای پیمودن فاصله‌هاکاهش می‌یابد و جهان بیش از پیش کوچکتر به‌نظر می‌رسد. انسان‌ها و جوامع به طریقی به یکدیگر نزدیکتر می‌شوند، پس جهانی شدن فرآیندی است که روابط اجتماعی را بسط می‌دهد. جهانی شدن روابط را از متن محلّی به متن جهانی تغییر می‌دهد (ایران زاده، ۱۳۸۰ : ۲۷).

گذشته از نقطه نظرات پیشگامان عصر اتم و شبکه در مورد جهانی شدن، از بررسی آرای اندیشمندان در دوران باستان تا عصر امروز آشکار می شود که مباحثه ای دایمی بین طرفداران نظریّه‌ای که معتقد به یک فرهنگ و سیاست جهان شمول بوده و اردوی مقابلی که بنا به دلایلی خواهان ایجاد یک «دولت- ملت» و نوعی دیوار دفاعی در مقابل رسوخ دیگر اقوام و تمدّن‌ها کشیده‌اند، جریان داشته است. به‌هرحال از کلام ادیان الهی و پیامبران گرفته تا بزرگان اندیشمندی همچون مارکوس، و شاعرانی مانند هومر، فردوسی، سعدی، تاگور و اقبال و سیاستمدارانی همچون جواهر لعل نهرو غیره این مهم به نوعی مورد توجه واقع شده است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۵ : ۱).

1-Harvey

روش‌ها و شاخص‌های سنجش جهانی شدن

دراین قسمت دو روش برای تعیین شاخص جهانی شدن معرّفی شده که عبارت‌اند از: ۱. شاخص جهانی شدن کوف[1] ۲. شاخص جهانی شدن ای.تی. کیانری[2]

۱. شاخص جهانی شدن کوف

شاخص جهانی شدن کوف در سال ۲۰۰۲ معرّفی شد(درهر، ۲۰۰۶). این شاخص ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی شدن را می پوشاند. به دنبال او، کلارک[3] و نای[4] این شاخص جهانی شدن را فرآیند پیدایش شبکه‌ای از پیوندها در میان بازیگران در مسافت‌های بین قارّه‌ای تعریف کرده‌اند، که از طریق تنوّعی از جریان‌ها، شامل جمعیّت، اطّلاعات و افکار، سرمایه و کالا، تعدیل شده است.جهانی شدن به عنوان فرآیندی مفهوم بندی شده که مرزهای ملّی را از بین می برد، اقتصاد های ملّی، فرهنگ‌ها، فن آوری‌ها و شیوه‌ی حکومت را ترکیب می کند و مجموعه‌ای ارتباطی با وابستگی‌های چندجانبه تولید می کند.به طور دقیق‌تر سه بعد شاخص کوف عبارت‌اند از:

۱. جهانی شدن اقتصاد : تعریف شده به عنوان جریان طولانی کالا، سرمایه و خدمات به همان خوبی اطّلاعات و تدارکاتی که تغییرات بازار را همراهی می کند؛

۲. جهانی شدن سیاست :که به وسیله‌ی انتشار و ترویج سیاست‌های دولت مشخص می شود؛

۳. جهانی شدن اجتماع(جامعه) : به عنوان گسترش عقاید، اطّلاعات، تصاویر و مردم بیان می شود.

شاخص ۲۰۰۷ کوف نوع جدیدی از شاخص اوّلیّه است، که دربر دارنده‌ی داده‌های بیشتری در مقایسه با آن است.مانند اضافه شدن هزینه‌ی مکالمات تلفنی، که همراه با دیگر شاخص‌ها، جریان‌های بین المللی اطّلاعات را اندازه می گیرد. ارسال و دریافت نامه های بین المللی، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تجارت کتاب ، جزوه و رساله را می توان نام برد.

1. Kof Index
2. A. T. Kearney
3. Clark 2000
4. Nye,2000

جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد دو بعد دارد، اول:جریان‌های واقعی اقتصادی که جهانی شدن را اندازه می گیرنـد. دوم: مسایلی که بیانگر محدودیّت‌هایی برای تجارت و سرمایه است.

جریان‌های واقعی شامل اطّلاعات در خصوص تجارت، میـزان سـرمایه گـذاری مـستقیم خـارجی و اوراق بهادار است که به‌وسیله‌ی مراجع مختلف از جمله بانک جهانی ارایه می شود.

محدویّت‌ها ، این شاخص اشـاره بـه محـدودیّت‌هـای تجـارت و سـرمایه دارد کـه موانـع واردات پنهـان، نرخ‌های متوسط تعرفه‌ها، مالیات بر تجارت بین المللی و شاخص کنترل سرمایه را مورد استفاده قـرار مـی دهـد. حدّاکثر امتیاز ۱۰ برای شاخص نرخ‌های متوسط تعرفه در نظـر گرفتـه شـده اسـت. کـشورهایی کـه هـیچ نـوع محدویّت تعرفه‌ای اعمال نمی کنند، امتیاز ۱۰ می گیرند، همان گونه که میانگین نرخ تعرفه افزایش پیـدامی کنـد، امتیاز کشورها کاهش می یابد. نرخ تعرفه که به ۵۰٪ می‌رسد، امتیاز به سـمت صـفر کـاهش پیـدا مـی کنـد. بـه طور کلّی موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به طور با اهمیّتی توانایی کالاهای وارداتی را برای رقابت در بازار داخلـی کاهش می دهد.

جهانی شدن اجتماع

شاخص کوف جهانی شدن اجتماعی را در سـه دسـته طبقـه بنـدی مـی کنـد:۱. تمـاس‌هـای شخـصی، ۲. داده‌های جریان اطلاعات و ۳. مجاورت فرهنگی.

۱. تماس‌های شخصی: این شاخص تمایلات مستقیم بین مـردم کـشورهای مختلـف را انـدازه مـی‌گیـرد و شامل ترافیک بین المللی مکالمات است. (تماس بیرونی سرانه در دقیقه برای هر مشترک) و درجـه توریـسم(تعـداد گردشگران ورودی و خروجی) جمعیّت یک کشور، نقل انتقال مالی کارگران(براساس درصـدی از GDP) تعـداد مراسلات بین المللی، اطّلاعات چهار متغیّر اوّل از بانک جهانی و آخـری از اتحادیـه‌ی پـست جهـانی دریافـت می‌شود.

۲. جریان اطّلاعات: در حالی که داده های مربوط به تماس‌های شخصی،ارتباطات قابل سنجش را در میـان مردم کشورهای مختلف اندازه می گیرد، شاخص فرعی مربوط بـه جریـان اطّلاعـات بـه مفهـوم آن اسـت کـه جریان بالقوّه عقاید و اندیشه ها را اندازه می گیرد. این شاخص شامل تعداد میهمانان و کاربران اینترنتی، مشترکان

تلویزیون کابلی ،تعداد رادیو در ۱۰۰۰ نفر و تجارت نشریات بین المللی (درصدی از GDP) را شامل می‌شود. همه این متغیّرها تا حدّی ظرفیّت مردم را برای در یافت اخبار از دیگر کشورها نماینده گی می کنند. بنابراین آنها به پخش جهانی عقاید واندیشه ها کمک می کنند.

۳. مجاورت فرهنگی: مجاورت فرهنگی سخت‌ترین ُبعد بحث انگیز جهانی شدن برای فهمیدن است. دربر[1] شاخص تعداد ترانه های انگلیسی در فهرست پرمشتری ملّی یا فیلم‌هایی که در سینماها نمایش داده شده و از هالیوود منشأ گرفته‌اند را پیشنهاد می کند. به‌هر حال این اطّلاعات برای بیشتر کشورها در نمونه های مورد مطالعه شاخص کوف وجود نداشت. در عوض باید صارات و واردات کتاب را به عنوان درصدی از GDP استفاده کرد. تعداد کتب حمل شده تا اندازه‌ای اعتقادات و ارزش‌ها را در طول مرزهای ملّی نماینده گی می کنند. بر اساس نظرسیج جهانی شدن فرهنگی به غلبه‌ی تولید فرهنگی آمریکا اشاره دارد(سیج، ۲۰۰۰: ۲۰۹). به طور بحث انگیزی آمریکا در پیشبرد قلمروهای فرهنگی -اجتماعی جهانی شدن، پیش گام است. همچنین تعداد رستوران‌های مکدونالد را، که در یک کشور واقع شده‌اند، به عنوان یک شاخص اضافی برای مجاورت فرهنگی پیشنهاد کرده‌اند.

جهانی شدن سیاست

برای نماینده گی درجه‌ی جهانی شدن سیاست، کوف از شاخص A. T. Kerney(2001-2006) استفاده نموده است که تعداد سفارتخانه ها و کمیسیون‌های عالی در یک کشور، تعداد سازمان‌های بین المللی درکشور و عضویّت در هیأت‌های صلح سازمان ملل متحد از دیگر متغیّرهایی است که برای جهانی شدن سیاست در نظر گرفته شده است.

روش محاسبه

برای محاسبه‌ی شاخص جهانی شدن هریک از متغیّرهای بالا به شاخصی به مقیاس ۱ تا ۱۰۰ تبدیل شده‌اند، که مقدار ۱۰۰ بالاترین ارزش برای هر متغیّر طیّ دوره‌ی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴ و مقدار ۱ حدّاقل ارزش است. ارزش‌های بالاتر، جهانی شدن بیشتر را نمایش می دهند. وزن‌هایی که برای تعیین شاخص‌های فرعی به‌کار

1. Derber,2006

رفته‌اند، با الگوی تحلیل مؤلّفه‌ی اصلی برای تمام نمونه کشورها و سال‌ها محاسبه شده است. در مجموع سه شاخص اصلی: ۱. جهانی شدن اقتصاد دارای وزنی برابر ۳۶٪، ۲. جهانی شدن اجتماع دارای وزنی برابر ۳۸٪ و۳. جهانی شدن سیاست دارای وزنی برابر ۲۶٪ می باشد، که وزن آنها روی هم رفته ۱۰۰٪ می باشد. هریک از شاخص‌های اصلی به زیر شاخص‌هایی تقسیم شده ، مانند شاخص جهانی شدن اقتصاد که به دو شاخص فرعی:۱. جریان‌های واقعی با وزن ۵۰٪ و۲. محدودیّت‌ها با وزن ۵۰٪ تقسیم شده است. در مرحله‌ی آخر شاخص فرعی جریان‌های واقعی به پنج زیر شاخص تقسیم شده و هریک وزن ویژه‌ای دارند که مجموع وزن آنها نیز رقم ۱۰۰٪ می شود. همین‌طور برای سایر شاخص‌ها نیز چنین وزن‌هایی اختصاص یافته است.

داده‌ها سالانه محاسبه شده‌اند، به‌هرحال همه‌ی داده‌ها برای همه‌ی کشورها و سالانه درمحاسبه‌ی شاخص‌ها قابل دسترس نیستند، لذا در چنین مواردی وزن متغیّرها با استفاده از برآورد رگرسیون خطی، انجام گرفته است. اگر بیش از یک سوم داده‌های تحت بررسی غیر قابل دسترس باشند،آستانه‌ها برای شاخص‌های فرعی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مقدار ۰/۳ می باشد. این آستانه‌ها برای شاخص‌های فرعی سطح پایین تر ۰/۲ می‌باشد. اندکس‌های جهانی شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به همان خوبی شاخص کلّی جهانی شدن، محاسبه شده‌اند. شاخص‌های اصلی و فرعی به شرح جدول زیراند:

جدول شماره ۲: شاخص جهانی شدن کوف برای سال ۲۰۰۷

اندکس‌ها و متغیّرها	وزن
۱. جهانی شدن اقتصادی	٪۳۶
a. جریان‌های واقعی	٪۵۰
i. تجارت(درصدی از GDP)	٪۱۶
ii. جریان‌های سرمایه گذاری مستقیم خارجی(درصدی از GDP)	٪۲۱
iii. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (درصدی از GDP)	٪۲۳
iv. سرمایه گذاری اوراق بهادار (درصدی از GDP)	٪۱۹
v. پرداخت به دولت‌های خارجی (درصدی از GDP)	٪۲۲
b. محدودیّت‌ها	٪۵۰
i. محدودیّت‌های واردات پنهان	٪۲۴

ii. نرخ متوسط تعرفه	٪۲۸
iii. مالیات بر تجارت بین المللی	٪۲۸
iv. محدودیّت‌های حساب سرمایه	٪۲۰
۲. جهانی شدن اجتماع	٪۳۸
a. داده‌ها در مورد تماس‌های شخصی	٪۲۹
i. ترافیک مکالمات تلفنی خارجی	٪۱۴
ii. نقل و انتقال مالی (درصدی از GDP)	٪۸
iii. توریسم بین المللی	٪۲۷
iv. جمعیّت خارجی (درصدی از کل جمعیّت)	٪۲۵
v. مراسلات پستی بین المللی (سرانه)	٪۲۷
b. داده‌ها ی مربوط به جریان اطّلاعات	٪۳۵
i. میزبان اینترنتی (در ۱۰۰۰ تن جمعیت)	٪۲۰
ii. کاربران اینترنت(در ۱۰۰۰تن جمعیت)	٪۲۴
iii. تلویزیون کابلی(در ۱۰۰۰ تن جمعیت)	٪۲۰
iv. تجارت روزنامه‌ها(درصدی از GDP)	٪۱۴
v. رادیو(در ۱۰۰۰ تن جمعیت)	٪۲۳
c. داده‌های مربوط به مجاورت فرهنگی	٪۳۷
i. تعداد رستوران‌های مکدونالد(سرانه)	٪۴۰
ii. تعداد Ikea (سرانه) (نوعی رستوران)	٪۴۰
iii. تجارت کتاب(درصدی از GDP)	٪۲۰
۳. جهانی شدن سیاست	٪۲۶
i. تعداد سفارتخانه ها در کشور	٪۳۵
ii. عضویّت در سازمان‌های بین المللی	٪۳۶
iii. مشارکت در مأموریت‌های شورای امنیّت سازمان ملل متحد	٪۲۹

درجدول شماره ۳، نتایج حاصل از کاربرد شاخص جهانی شدن کوف در سال ۲۰۰۷، برای ۱۲۲ کشور مشخص شده است. ایران در بین این کشورها در مرتبه‌ی ۱۱۵ به لحاظ شاخص کلّی جهانی شدن قرار دارد، که بیانگر جایگاه نه چندان مطلوب کشور در فرآیند جهانی شدن است و ضرورت، رفع موانع جهانی شدن در ابعاد مختلف مطرح می‌شود. گرچه در بعضی شاخص‌ها مانند تعداد رستوران‌های مکدونالد، به دلیل قطع ارتباط ایران و آمریکا، چنین شاخصی باید حذف شود، در این صورت جایگاه ایران ممکن است به حدّاقل تغییر کند.

جدول شماره۳: شاخص جهانی شدن کوف برای سال ۲۰۰۷*

شاخص کلی جهانی شدن			شاخص جهانی شدن اقتصاد			شاخص جهانی شدن اجتماع			شاخص جهانی شدن سیاست		
رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز
۱	بلژیک	۹۱,۹۶	۱	لوکزامبورک	۹۸,۴۹	۱	اتریش	۹۳,۱۰	۱	فرانسه	۹۸,۰۶
۲	اتریش	۹۱,۶۰	۲	سینگاپور	۹۵,۱۴	۲	سنگاپور	۹۲,۴۹	۲	آمریکا	۹۶,۱۱
۳	سوئد	۸۹,۸۹	۳	ایرلند	۹۴,۸۸	۳	بلژیک	۹۰,۶۶	۳	فدراسیون روسیه	۹۶,۰۴
..	..	.	.	..	..	.	..	...	..	.	..
۱۱۵	ایران	۳۵,۱۹	۱۱۵	عربستان	***	۱۱۵	الجزایر	۲۶,۵۲	۱۱۵	گینه نو	۱۷,۸۶
...	...	....	....	...	....	....	....	...	...	...	...
۱۲۲	بورندی	۲۵,۷۵	۱۲۲	میانمار	***	۱۲۲	میانمار	۱۰,۲۴	۱۲۲	باهاما	۱۱,۴۴

*** اطلاعات موجود نیست.

*رتبه بندی بر مبنای داده های سال ۲۰۰۴ است. Source:http://yaleglobal.yale.edu/disply.article?id=8313

۲. روش شناسی و داده های شاخص جهانی شدن برمبنای روش A. T. Kearney

شاخص جهانی شدن سیاست خارجی A.T.Kearney تغییرات را در چهار جزء کلیدی ادغام جهانی ارزشیابی و ردگیری می کند و معیارهایی مانند تجارت، جریان سرمایه گذاری، حرکات جمعیّت در طول

مرزها، حجم ترافیک مکالمات بین المللی، کاربرد اینترنت و مشارکت در سازمان های بین المللی را ترکیب می کند.

در سال ۲۰۰۵ در جهان، ۶۲ کشور براساس شاخص جهانی شدن رتبه بندی شده اند که ۹۶٪ تولید ناخالص داخلی(GDP) و ۸۵٪ جمعیّت جهان را داشته اند. مناطق عمده جهان، از کشورهای توسعه یافته تا در حال توسعه تحت پوشش قرار گرفته‌اند، تا نگرشی جامع از ادغام جهانی فراهم شود، که شامل ابعاد زیر هستند:

۱. ادغام اقتصادی: داده‌های مربوط به تجارت و جریان‌های ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی را ترکیب می کند. تماس‌های شخصی، سفرهای بین المللی و توریسم، ترافیک مکالمات بین‌المللی و ارسال حواله بین کشوری و نقل و انتقال شخصی (شامل ارسال وجه کارگران، جبران غرامت کارگران، و دیگر نقل و انتقال‌های غیر دولتی و خصوصی).

۲. پیوندهای تکنولوژیکی : شامل تعداد کاربران اینترنت، میزبانان اینترنت و سرورهای امنیّتی که از طریق آن نقل و انتقالات رمزی صورت می گیرد.

۳. مشغله‌های سیاسی: شامل عضویّت کشورها در سازمان‌های بین المللی، مشارکت‌های مالی و پرسنلی در مأموریّت‌های حفظ صلح سازمان ملل متحد.

مهمترین داده های در دسترس برای نمونه‌ی کاملی از ۶۲ کشور از سازمان‌های بین المللی، شامل بانک جهانی، بنیاد نظارت بین‌المللی و اتحادیه‌ی ارتباطات تلفن بین المللی جمع آوری شده است. داده های خام برای ساخت شاخص جهانی شدن به شرح زیر هستند: (2005 Globalization Index Data and Methodology, et al,2005:5)

۱. داده های مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی؛
۲. داده های مربوط به نقل و انتقال مالی بین‌المللی؛
۳. داده های مربوط به تولید ناخالص داخلی؛
۴. داده های مربوط به سازمان‌های بین المللی؛
۵. داده های مربوط به حمل و نقل بین المللی؛
۶. داده های مربوط به تعداد میزبانان اینترنت؛
۷. داده های مربوط به تعداد کاربران اینترنت؛

۸. داده های مربوط به هیأت‌های حفظ صلح؛

۹. داده های مربوط به جمعیّت؛

۱۰.داده های مربوط به نقل و انتقال خصوصی افراد ؛

۱۱.داده های مربوط به سرورهای اینترنتی امنیّتی؛

۱۲.داده های مربوط به ترافیک مکالمات تلفنی؛

۱۳. داده های مربوط به تجارت؛

۱۴.داده های مربوط به عهدنامه ها و پیمان نامه‌ها.

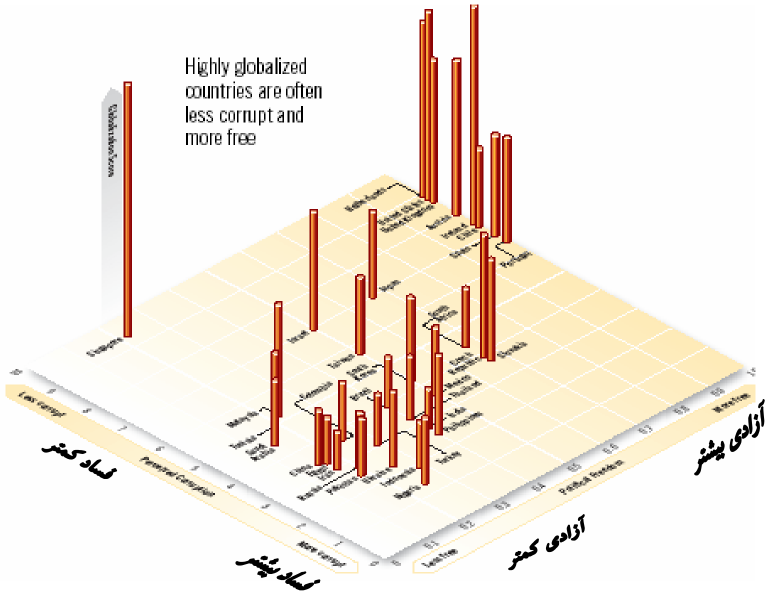
ارتباط میان جهانی شدن و آزادی

یکی از عوامل اصلی جهانی شدن، جهانی شدن دمکراسی است، که از دهه‌ی ۱۹۷۰ مفاهیم حقوق دمکراسی درسراسر جهان منتشر شده، دمکراسی به یک ارزش و فرآیند جهانی تبدیل شده است. از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ حدود ۷۴ کشور از سامانه‌ی سیاسی غیر دمکراتیک به دمکراتیک تغییر یافته‌اند. جهان تا پیش از این هرگز چنین موج دموکراسی سازی را تجربه نکرده بود.(جان اسکات، ۱۳۸۴: ۱۸۹). نکته‌ی بسیار اساسی تحلیل ارتباط میان جهانی شدن و آزادی و دمکراسی است. سؤال این است که چگونه آزادی و جهانی شدن با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ برای این منظور شاخص جهانی شدن سیاسی با طبقه‌بندی سالانه‌ی آزادی هاوس[1] از حقوق سیاسی و آزادی شهروندان در سطح جهانی مقایسه شده است. این دو شاخص با یکدیگر ارتباط کاملاً ظریفی دارند. ارتباط مثبت قوی بین جهانی شدن و آزادی سیاسی وجود دارد. جهانی شدن ممکن است یکی از بهترین شیوه های حفظ شرافت و صداقت سیاست مداران باشد. بررسی های نظارت بین المللی نشان داده که کشورهایی که بیشتر جهانی شده اند، سطح کمتری از فساد و رشوه خواری ادارکی را نشان می دهند. جهانی شدن ممکن است به افزایش حقوق سیاسی و آزادی‌های اساسی کشورهایی مانند مصر و غیره که در انتهای شاخص جهانی شدن قرار دارند، سرعت بخشد.علاوه براین، ادغام بیشتر ممکن است به ساز گاری استانداردهای بین المللی بالاتر برای نظارت و شفّافیت منجر شود. که به نوبه‌ی خود از فساد و رشوه خواری جلوگیری می کند و کارآیی دولت‌ها را افزایش می‌دهد.

1 -Freedom House's annual ranking of political right and civil liberties

البته، استثناهایی نیز برای حکومت کردن وجود دارد. سنگاپور، جهانی ترین کشور دنیا محلّی برای یک اقتصاد باز و نوین است، ولی کنترل قوی دولت را بر رسانه ها و آزادی محدود افراد حفظ کرده است. در طرف دیگر طیف آفریقای جنوبی است که به طور نسبی آزادی سیاسی زیادی دارد، امّا در شاخص جهانی شدن دارای رتبه‌ی متوسط است(Measuring Globalization,2005:59). این وضعیّت در نمودار شماره ۱ مشخص شده است.

نمودار شماره۱: ارتباط میان جهانی شدن سیاست و فساد و رشوه خواری



Source: Measuring Globalization (2005),http://www.foreignpolicy.com

جایگاه ایران در شاخص جهانی شدن

جایگاه ایران بر اساس شاخص جهانی شدن A.T.Kearney برای پنج سال در جدول شماره ۴ در بین ۶۲ کشور جهان مشخص شده است. نکته‌ی اساسی این است که ایران در این سال‌ها در پایین ترین سطح قرار داشته است. این وضعیّت همچنین در نمودار شماره ۲ مشخص شده است:

جدول شماره ۴: جایگاه ایران در شاخص جهانی شدن A.T.Kearney

شاخص جهانی شدن ۲۰۰۱		شاخص جهانی شدن ۲۰۰۲		شاخص جهانی شدن ۲۰۰۳		شاخص جهانی شدن ۲۰۰۴		شاخص جهانی شدن ۲۰۰۵	
رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور
۱	سنگاپور	۱	ایرلند	۱	ایرلند	۱	ایرلند	۱	سنگاپور
۲	هلند	۲	سویس	۲	سویس	۲	سنگاپور	۲	سویس
۳	سوئد	۳	سنگاپور	۳	سوئد	۳	سویس	۳	امریکا
⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮
۵۰	ایران	۶۲	ایران	۶۲	ایران	۶۲	ایران	۶۲	ایران

Source: http://www.world audit.org/Globalization%20index%20.htm.

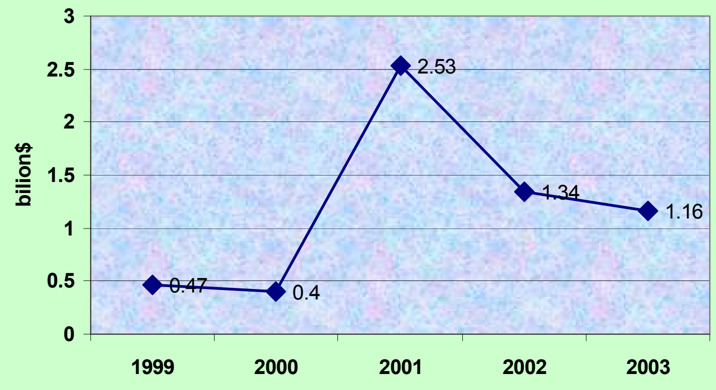
مشاجرات سیاسی بین ایران و آمریکا و تحریم یکجانبه‌ی آمریکا و به تازگی مباحث مربوط به غنی‌سازی اورانیم در ایران و گفتگوی کشورهای اروپایی با ایران(این گزارش قبل از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیّت در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در خصوص تحریم ایران نگاشته شده است)، باعث مشکلات جدّی در فرآیند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور شده و باعث گردیده که اقتصاد کشور لنگان لنگان به پیش رود. محدودیّت‌های اینترنت باعث کاهش پیوند تکنولوژیکی کشور با جهان خارج شده است. تعداد سرانه‌ی سرورهای امنیّتی در ایران ناچیز و حتی کمتر از بنگلادش است، پیوسته نبودن[1] سرورها و کنترل دولت بر کاربران اینترنت از دیگر مشکلات جهانی شدن است. بر اساس این گزارش، ایران زمان زیادی است که بر حسب تماس‌های شخصی شهروندانش با بقیه‌ی جهان فراموش شده است. نسبت توریست‌ها(ورودی و خروجی)به جمعیّت کشور فقط ۷٪ است، حتی کمتر از سنگال که ۱۰,۵٪ و در مقایسه با عربستان که ۴۷,۲٪ جمعیت می باشد. به طور روشنی ایران در بیشتر زمینه‌ها سریع نمی‌رود.(The fifth annual A.T.Kearney /foreign policy Globalization Index,2005,5)

همان‌طوری که درابتدای بحث ذکر شد، تحلیل روند جهانی شدن شهرها در ایران ، بدون بررسی فرآیند جهانی شدن کشور چندان قابل درک نخواهدبود. بنابراین هر گونه تلاشی در راستای جهانی کردن و جهانی

1. Online

شدن[1] شهرها نیازمند سازگاری سیستم ملّی در راستای جهانی شدن است، در غیر این‌صورت، نتیجه‌ی مطلوبی به‌دست نخواهد آمد.

نمودار ۲:روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران (۲۰۰۳-۱۹۹۹)



http://www.atkearney.com/shared_res/pdf/RFID-EPC_S.pdf

روند جهانی شدن شهرها

همان‌طور که در ابتدای بحث گفته شد، بدون آشنایی با روند جهانی شدن در سطح کلان ملّی، امکان تحلیل روند جهانی شدن شهرها کار دشواری خواهد بود. چون شهرها زیر سیستم ملّی هستند و به تبع تغییرات در سیستم کلی، آنها نیز دچار تغییر می‌شوند. لذا دراین قسمت جهانی شدن شهرها تحلیل شده است. شاید اوّلین‌بار اصطلاح شهر جهانی[2] به‌وسیله پاتریک گدس شهر ساز مشهور اسکاتلندی[3] در سال ۱۹۱۵ به کار گرفته شد، که به شهرهای گسترش یافته به درون گروه بندی‌های وسیعتر جدید یا منظومه های شهری[4] اشاره دارد (Meekam Ng & Petter Hill,2003:151). به دنبال آن در سال ۱۹۶۶، سر پیتر هال[5] «شهرهای جهانی» را منتشر کرد. او بررسی کرد که چگونه شهرهایی مانند نیویورک، لندن، توکیو، پاریس و مسکو سریعتر رشد می کنند و حوزه‌ی نفوذشان را برای این که شهرهای جهانی برتر شوند، گسترش می‌دهند. پیتر هال، این شهرها را به عنوان

1. Globalizing & Globalization
2. World City
3. Patrick Geddes,1915
4. Con-urbation
5. Sir peter Hall ,1966

مراکز عمده‌ی قدرت سیاسی، مراکز دولت‌های ملّی و بین‌المللی، مراکز تجاری، منابع مالی و ارتباطات و تمرکز نخبگان در آموزش و تحقیق و هنر شناسایی کرد. در عصر جهانی شدن شهرهای واقعی مهمتر از هر زمان دیگر شده‌اند، شهر جهانی نقطه‌ی منزوی در منطقه‌ی کلان‌شهری نیست، بلکه شبکه‌های عظیم متنوّعی که جهان را احاطه کرده‌اند، به قدری به هم پیچیده‌اند، که آنها شهرهای موجود را در یک ماهیّت شهری جهانی متّحد کرده‌اند، دراین شبکه‌ها، شهرها کانونی برای ساخت، توزیع و مصرف هستند. (Gallis ,2002:2). براین اساس، درخصوص جهانی شدن شهرها فرضیّه‌هایی به شرح زیر مطرح شده‌اند:

۱. فرضیّه‌ی شهر جهانی فریدمن [1]

در سال ۱۹۶۸، جان فریدمن [2] و ژئوتژولف [3] «فرضیه شهر جهانی» را مطرح کردند . (Meekam, et al,2003:152)

فرضیّه‌هایی که به وسیله‌ی فریدمن ارائه شده، بحث می کند که «تقسیمات بین المللی نیروی کار» از طریق شهرهای جهانی سازماندهی می شوند. این شهرها بی‌نظیر هستند، به خاطر این که به عنوان «مراکز کنترل» برای تراکم سرمایه‌ی جهانی و در نتیجه کسب ساختارهای اجتماعی و اقتصادی داخلی ویژه عمل می کنند. فریدمن سلسله مراتبی را در میان فهرست شهرهای جهانی پیشنهاد می کند، به مقدار زیادی به‌خاطر اهمیّت آزمایشی وآموزشی نقل شده است، اما به‌خاطر این که فاقد هر گونه پایه و اساس آشکاری است، به طور ویژه‌ای ضعیف است.

فرضیّه‌هایی که فریدمن مطرح کرده، به شرح زیراند:

۱. کارکردهای کنترل جهانی به بهترین شکل به وسیله‌ی تعداد دفاتر نمایندگی شرکت‌های بین‌المللی اندازه‌گیری می‌شود؛

۲. بازسازی اشتغال معاصر در شهرها به شکل و حد ادغام در اقتصاد جهانی مربوط است؛

۳. شهرهای کلیدی با سرمایه بین المللی به عنوان نقطه‌ی کانونی در سازمان فضایی و تفصیلی تولید و بازارها شناسایی شده‌اند؛

1.Fridman 's world city hypotheses
2. John Friedman
3. Goetz wolf

۴. شهرهای جهانی محل انباشت و تمرکز سرمایه‌ی بین‌المللی هستند؛

۵. شهرهای جهانی نقاط مقصد برای مهاجران ملّی و بین‌المللی هستند.

مشکلات اصلی در خصوص نتایج تحقیق فریدمن، اندازه‌گیری مشخّصه‌های شهرهای جهانی و سپس طبقه‌بندی آنها در تعدادی زیادی جداول است. تیلور ایرادی که بر این طبقه بندی گرفته، این است که چیزی در باره ارتباطات درونی نمی گوید(J.V.Beaverstock & et al,2000:45).مشکل کلیدی دیگر با سلسله مراتب فریدمن، این است که پیچیدگی سیستم شهری اروپایی را نادیده گرفته است، جایی که چند شهر به‌طور نسبی کوچک (زوریخ، وین، آمستردام و...) اثر نامتناسبی بر جهان گذاشته‌اند، و بر خلاف فضای سیاسی یکپارچه‌ی آمریکا که فریدمن در آن به تحقیق پرداخته، تخصّص شهرهای اروپایی با سرمایه‌های ملّی زیاد ترکیب شده و یک الگوی شهری تولید کرده که به طور آشکاری روی هم رفته سلسله مراتبی نیست.

متخصّصان زیادی روی فرضیّات بالا کار کرده و تأکید کرده‌اند که شهرهای جهانی مکان‌هایی برای تجارت جهانی، منابع مالی و سازماندهی و هماهنگی بین تجارت و دولت‌اند.

۲. فرضیه‌ی شهرهای سه گانه‌ی ساسن [1]

کار ساسن [2] به طور ویژه‌ای برای تشخیص دقیق ماهیّت شهرهای جهانی مهم است. گرچه او تغییرات در منابع مالی و بانکداری بین‌المللی را به عنوان پایه‌ای در فرضیّه‌ی شهرهای سه گانه‌اش شناسایی کرده است و معتقد است که شهرهای جهانی مهم تر از مراکز مالی هستند. برای ساسن منابع مالی یک رشته از تولیدات خدمات پیشرفته است، که عملکرد شهرهای جهانی را به عنوان «مکان‌های تولید فراصنعتی» مشخص می کند. این متضاد با عقیده‌ی اولیه‌ی فریدمن از شهرهای جهانی به عنوان «مراکز فرماندهی عمومی» به خاطر تمرکز دفاتر مرکزی شرکت‌ها است، که به وسیله‌ی ساسن به عنوان یک عنصر اساسی شهر جهانی شناسایی نشده است. تفاوت اساسی برای ساسن این است که یک شهر جهانی، کانونی برای سرویس دهی اساسی سرمایه جهانی و نه مدیریتش است. به‌هرحال قدرت تحلیل ساسن وقتی سؤال سلسله مراتب جهانی مطرح می شود، ضعیف می شود. گرچه بیشتر بحث های او در خصوص مبادلات مالی بین شهرها است، ولی داده‌ها به سادگی

1 -Sassen's triad of world cities

2. Sassen ,1991,1994,1996

آشکار نمی کند که آیا گروه سه تایی (نیویورک، لندن، توکیو) واقعاً نقطه‌ی اوج سلسله مراتب جهانی را نشان می دهند؟ روی هم رفته او یک مطالعه مقایسه‌ای ارزشمندی را از شهرهای جهانی با نتایج بهتری در خصوص تغییرات موازی بین نیویورک، لندن و توکیو فراهم کرد. به‌هر حال تحلیل او کمک کمی به بهبود فهم ما از ارتباطات میان شهرها می کند، یک نقص جدّی وقتی مشخص می‌شود که نقش لندن را دریک سیستم شهری اروپایی در نظر بگیریم. ساسن [1] با طرح مجموع سه‌تایی شهرهای جهانی (لندن، نیویورک و توکیو)، بحث کرده که اگر رشد اقتصاد جهانی مهار نشود، نتایج مضرّی برای فقرا و برای بخش‌های بزرگی از طبقات متوسط خواهد داشت. او معتقد است که حدّاقل نیمی از تجارت و فعّالیّت‌هایی که در شهرهای با عنوان جهانی انجام می گیرد، شایستگی آنرا ندارند و نمی‌توان به اقتصاد شهری اجازه داد که گشتزار اقتصادی شود (J.V.Beaverstock & et al,2000:45). همین‌طور کیل [2] یادآور می‌شود که شهر جهانی «مکانی است که درآن بحران‌های اکولوژیکی جهانی به صورت مستحکمی ظاهر شده و به وسیله‌ی عدم اطمینان‌ها، ریسک‌ها و خطرات» مشخص می‌شوند.

۳. ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای کاستلز [3]

از نظر فریدمن و ساسن شهر جهانی به عنوان «نقطه‌ی اساسی» یا «مراکز تولید خدمات جهانی» نامیده شده که می تواند به طور اساسی به عنوان «فرآیند» مطالعه شوند. امانول کاستلز [4] عنوان «ظهور جامعه شبکه‌ای» را برای فهم شهر جهانی به‌کار برده است. به نظر او در جامعه شبکه‌ای شهرهای جهانی ترکیبی از دگرگونی‌های اجتماعی وسیعتر هستند و شهرهای جهانی ثروت و قدرتشان را متراکم و نگهداری می کنند. به‌خاطر این که فرآیندهای خدمات پیشرو ، مراکز تولید و بازارها را در یک شبکه‌ی جهانی پیوند می‌دهد (کاستلز، ۱۹۹۶: ۳۸۰). شهرهای جهانی از طریق جریان دانش، اطّلاعات، پول و تولیدات فرهنگی و نه مشخصه‌های ثابت (فرم و کارکرد) تولید و باز تولید می‌شوند، بر این اساس شهرهای جهانی از نظر کاستلز «فرآیند» هستند.که به وسیله‌ی مراکز تولید و مصرف خدمات پیشرفته و جوامع محلّی فرعی به شبکه‌ی جهانی می پیوندند. همچنین به نظر

1. Sassen 1991
2. Keil 1995:282
3. he Rise of the Network Society
4. A.Manual Castells 1996

کاستلز به دلیل ماهیّت جامعه‌ی نوین که برمبنای دانش استوار است و پیرامون شبکه‌ها سازمان یافته و تا حدّی از جریان‌ها تشکیل شده است. شهر اطّلاعاتی، نه یک شکل، بلکه یک فرآیند است، فرآیندی که سلطه ساختاری فضای جریان‌ها ویژگی آن است. عاملی که در فرآیندهای جدید شهری اهمیت دارد، این حقیقت است که فضای شهری هر روز بیش از پیش از نظر اجتماعی متمایز می‌شود. در همان حال، از نظر کارکردی، وابستگی متقابل بخش‌های مختلف آن از مجاورت فیزیکی فراتر می‌رود. این موضوع ناشی از جدایی معنایی نمادین محلّ انجام کار و تخصیص اجتماعی فضا در مناطق کلانشهری است(کاستلز، ۱۳۸۰ : ۷-۴۶۴).

بنابراین، از نقطه نظر تئوریکی برای اندازه گیری و استانداردسازی از عقیده‌ی کاستلز (۱۹۹۶) از شهر به عنوان «فرایند» (فضای جریان‌ها)، از «فرضیه شهر جهانی» فریدمن(۱۹۸۶) در درون یک اقتصاد جهانی متغیّر و تحلیل ساسن(۱۹۹۴) از تراکم و مرکزیّت مجموعه‌های تولیدی -خدماتی شهر جهانی استفاده شده است. (J.V.Beaverstock & et al, 2000: 48)

تجربیّات شهرها در ورود به شبکه‌ی جهانی شدن:

شاید بهترین مورد در خصوص تجربه‌ی ورود شهرها به فرآیند جهانی شدن، تجربه‌ی کشور چین باشد. شهرهای چینی توسط نیروهای زیادی به قرن جهانی شدن وارد می شوند، ورود چین به سازمان تجارت جهانی از سال ۲۰۰۱، و گسترش اقتصاد آزاد دو عامل عمده در ورود چین به قرن جهانی شدن هستند. (Fulong Wu.2006:191). بیشتر نوشته‌ها در خصوص شهرهای جهانی تا به‌حال عمدتاً در خصوص شهرهای با درجه‌ی برتر اقتصادهای غربی است، اما یقیناً خلاف قاعده‌ای از پارادایم شهر جهانی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. همین‌طور برای مراکزی که تسهیلات به شرکت‌های چند ملّیتی و یا مراکزی برای تولید خدمات برای کنترل اقتصاد جهانی ارائه می کنند. هیل و کیم[1] بحث کرده‌اند که سئول و توکیو انواع متفاوتی از شهرهای جهانی فراسوی پارادایم شهر جهانی را نشان می‌دهند. به‌خاطر این‌که سیاست‌های مالی و صنعتی آنها وضعیّت‌های توسعه‌ای دو کشور را در بر گرفته است. در چین تئوری روش حکومتی به فهم ساخت استادانه‌ی حقّ مالکیت و به سرمایه‌داری اجازه می دهد و به نوبه‌ی خود درگیری شهرهای بزرگی مانند شانگ‌های را در یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بهبود می‌بخشد. آنها برخی تغییرات عمده مانند استقلال اقتصادی، جذب

1. Hill & Kim, 2000

سرمایه گذاری مستقیم خارجی را یادآور شده‌اند، که به پویایی فضایی منجر می‌شود و شامل مناطق توسعه‌ی اقتصادی جانبی است که سرمایه‌ی خارجی را در حمایت از پیوند در حال رشد با اقتصاد جهانی وارد توسعه شهری می کند(Fulong Wu.2006: 193).

در مطالعه‌ای که در خصوص جهانی شدن شانگهای در چین (Yehua et al ,2006:231) انجام گرفته، بر اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌ی تبدیل شانگهای به شهر جهانی تأکید شده است. چین از دهه‌ی ۱۹۷۰ تمرکزش را از سوسیالیزم دولتی و خود اتکایی به سیاست درهای باز و جهانی شدن تغییر داد، و از دهه‌ی ۱۹۹۰ بسیاری از شهرها سیاست جسورانه‌ی جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به‌کاربردند، و شهرها با ایجاد مناطق سرمایه گذاری مستقیم خارجی خواسته‌اند به این هدف برسند، اخیراً شهرهای جهانی چنین هدفی را دنبال می کنند، و شانگهای با بازسازی ساختاری به سوی شهر جهانی گام بر می دارد. زیرا جهانی شدن هدف اوّلیّه‌ی عمده‌ترین شهرها در جهان درحال گذار و توسعه در دنیای معاصر است. دراین تحقیق، اهمیّت سیاست دولت و سرمایه‌گذاری خارجی در جهانی شدن شهرها برجسته شده است. بر خلاف شهرهای جهانی سنّتی در کشورهای پیشرفته که به وسیله‌ی کاهش بخش کارخانه‌ای، سرمایه گذاری در خدمات تجاری پیشرفته، جریان سرمایه به داخل به همان خوبی به خارج و حدّاقل نقش برای دولت مشخص شده‌اند، بیشتر شهرهای آسیایی از سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک وسیله‌ی پیش برنده برای جهانی شدن سود می برند. در شانگهای علاوه بر بخش خدمات مقدار قابل ملاحظه‌ای سرمایه‌گذاری خارجی به بخش کارخانه ای صنعتی می‌رود. نقش مهم صنعت در شانگهای وضعیّت این شهر رابه عنوان یک شهر جهانی در حال رشد شبیه سئول و توکیو تأکید بر صنایع کارخانه‌ای و تولیدات با فن آوری برتر دارد. علاوه بر موارد بالا، نقش مهم دولت با تصویب قوانین و اجرای سیاست‌هایی برای جذب بیشتر سرمایه گذاری خارجی و ایجاد مناطق توسعه مانند «پارک‌های علمی- تحقیقاتی، پایانه‌های حمل و نقل و غیره به جهانی شدن شهرها کمک کرده است، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۲ از ۵۰۰ شرکت جهانی که دفاتر یا کارخانه هایی در شانگهای تأسیس کرده اند، ۱۶۶ شرکت در این شهر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. علّت سرمایه‌گذاری خارجی فزاینده در شانگهای نسبت به سایر شهرها این است که شهرداری به طور ساختاری با اقتصاد جهانی بیشتر از سایر استان‌ها ادغام شده است. تشکیل چهار منطقه‌ی سرمایه‌گذاری در سطح ملّی در شانگهای به جذب بیشتر سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمک کرده است و

این چهار منطقه مکمّل یکدیگراند. با تمام این تلاش‌ها شانگهای در مراحل اوّلیه‌ی جهانی شدن است و مشکلات بر سر راه جهانی شدن این شهر را در سه گروه به شرح زیر خلاصه شده است:

۱. اقلیّتی با درآمد بالا و اکثریّتی با درآمد پایین نسبت به استانداردهای جهانی هستند، سطح نسبی پایین درآمد به گام‌های تبدیل اقتصاد شانگهای به اقتصاد جهانی ضربه زده است.

۲. بخش مالی هنوز ضعیف است و روند شکل‌گیری شرکت‌های عمده کند است. در سال ۲۰۰۰ فقط دو تا از شرکت‌های ملّی در بین ۵۰۰ شرکت جهانی بوده‌اند. بازار سهام شانگهای در مقایسه با بازارهای سهام سنتی مانند نیویورک بسیار کوچک است و شانگهای در مراحل اوّلیّه‌ی تبدیل به یک مرکز مالی جهانی است.

۳. مشابه دیگر بخش‌های چین، شانگهای سطح بالایی از بروکراسی اداری را حفظ کرده است، که ماهیّت اقتصاد سیاسی چین را نشان می دهد. گرچه شانگهای اصلاحات عمده‌ای را در این زمینه انجام داده است. شهرداری در مقایسه با دیگر شهرهای جهانی به لحاظ شفافیّت سیاسی عقب‌تر است. سازگاری با فرهنگ جهانی از نظر اجتماعی و سیاسی لازم است، علی رغم اهمیت استراتژیک شانگهای در منطقه، قبل از این که شانگهای به عنوان سر اژدها با شهرهای جهانی عمده ناحیه از جمله سئول و توکیو هماهنگ شود، ضرورت بیشتری برای ترکیب و همکاری شانگهای و دلتای یا نگتسه[1] وجود دارد.(Yehua et al ,2006:243)

در کشور هند نیز ، در ۳۵ کلانشهر میلیونی، رشد جمعیّت شهری و افزایش تقاضای مسکن و رشد زیرساخت‌های ناشی از آن و همچنین افزایش درآمد سرانه، کاهش فقر شهری و رشد اقتصادی شهرهای بزرگ، باعث گسترش شهر در ابعاد افقی و عمودی شده است. رشد کلان‌شهرها در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی، پیرامون گزینی اطراف این شهرها، رشد بخش‌های IT و تعامل و توافق توسعه‌گران محلّی و بین‌المللی باعث توسعه‌ی بیشتر این شهرها شده و استانداردهای زندگی و کار را به سطح جهانی نزدیک کرده است. در این میان نقش دولت‌های محلی و ایالتی در سازماندهی مجدّد شهرهای مذکور دارای اهمیّت است. سازمان‌های غیر دولتی بسیاری نیز در این کشور در راستای بهبود وضعیّت اجتماعی، تقویت اجتماع محلّی و فعّالیّت‌های توسعه‌ای مؤثّر بوده‌اند و طیّ مراحل متعددی به باز ساخت شهرهای هند همّت گمارده‌اند. مراحل بازساخت شهرهای هند در جدول شماره ۵ مشخص شده است.

1. Yangtze

بر این اساس شهرهایی که به عنوان مدخل ورودی در مرحله‌ی نخست بازساخت شهری مورد توجه قرار گرفته اند، با جذب سرمایه های خارجی و داخلی و تقویت زیرساخت‌های مالی، علمی، فنی و انسانی خود، به عنوان دروازه های ورود به سیستم جهانی محسوب شده و زمینه ساز انتقال شهرهای دیگر منطقه به این فرایند می باشند.

جدول شماره۵:سنخ شناسی بازساخت شهرهای هند

رده شهر	مثالها	مشخصات	تغییر
رده اوّل شاهراهها (مدخل ورودی)	بمبی، بنگلور، دهلی	جاذب برای هردو سرمایه داخلی و خارجی، دولت فعّال، عرضه‌ی نیروی کار ماهر، مراکز تحقیقات ملّی و کالج‌های مهندسی	رشد سریع
دومین رده	کلکته، حیدر آباد، پونا و احمد آباد	عرضه نیروی کار ماهر،نهادهای تحقیقات ملی و کالج‌ها، دولت کارآمد، ارزانتر از شهرهای گروه اول	سرعت رشد کمتر از گروه اول
رده سوم	جی پور، چندیگر و...	هزینه‌های پایین‌تر، ارزانتر از شهرهای رده دوم، فعّالیّت‌های ترقّی خواهانه‌ی کمتر دولت، دانشگاههای محلّی و ناحیه‌ای	کمتر از رده دوم
حاشیه‌ای	پتنا و وارنسیا	حکمرانی ضعیف، مشکلات و مقرّرات قانونی	بدون تغییر

Source:Shaw & M.K. Satish ,(2006:1-3)

ا. لفجرن[1] در مقاله‌ای با عنوان: «صدها سال تنهایی، جهانی شدن از چشم انداز یک شهر حاشیه‌ای اروپایی»، با تشریح وضعیّت شهر تروندهیم[2] سومین شهر نروژ با ۱۶۰۰۰۰ تن جمعیّت و مرکز ناحیه‌ای با حوزه‌ی نفوذ نیم میلیون تن جمعیّت، می‌خواهد به این سؤال که چگونه شهرهای کوچک باید به جهانی شدن پاسخ دهند، جواب دهد و بیان داشته که بیشتر بحث‌های جهانی شدن درباره شهرهای بزرگ بوده و بیشتر بر رقابت به عنوان پاسخی به جهانی شدن تکیه شده است. ولی در حال حاضر بیشتر شهرها با چالش تغییرات محلّی و جهانی

1. A. Lofgern,2000: 501
2. Trondheim

فزاینده روبرو هستند، و در نهایت چهار راهکار برای جهانی شدن شهرها بیان داشته، که عبارت‌اند از: ۱. راهکار مشتری مداری، ۲. راهکار رقابتی، ۳. راهکار انزوا، ۴. راهکار عدم انجام اقدامی خاص (چیزی در کل انجام ندادن)[1]. در نهایت پس از تشریح مزایا و معایب هریک از راهکارها، شهرهای حاشیه‌ای شبیه ترونـدهیم چگونه باید به جهانی شدن پاسخ دهند، بیان می کند که شهرهای کوچک با درجه‌ای کمتر باید در چارچوب سیاست‌های ملّی کار کنند و آنها ظرفیّت کمتری برای سازگارنمودن راهکارها با اهداف جهانی دارند. آنها ممکن است به جهانی شدن پاسخ دهند، امّا ضرورتاً یک حکومت شهری کار آفرین را توسعه نمی‌دهند، شهرهای کوچک محدودیّت‌های متعددی از قبیل مشکلات برنامه‌ریزی کارآمد دارند، زیرا برنامه ریزی برای این که شهر را رقابتی کند، بسیار مهم است. تهیه‌ی یک برنامه فیزیکی برای روبرویی با جهانی شدن مهم است. بنابر این انتخاب راهکار و سیاست دو بعد مهم از پاسخ شهر به جهانی شدن، هستند. در شهرهایی مانند شهر بالا هدف سیاست‌ها محلّی است، حال اگر شهر بخواهد اهداف بین المللی داشته باشد، نیازمند تجدید نظر در سیاست‌های محلّی-منطقه‌ای و حتی ملّی است(لفجرن، ۲۰۰۰: ۵۰۳).

نمونه‌ی دیگر از شهرهایی که در فرآیند جهانی شدن قرار گرفته است، شهر دبی در امارات متحده‌ی عربی است، که از سال ۲۰۰۵ درهای بازار معاملات بورس خود را به روی جهانیان گشوده است، پول نفت در منطقه به تأمین مالی پروژه ها کمک کرده است. مناطق مختلفی در چهار گوشه‌ی جهان، سران مالی دنیا را به سوی خود جذب کرده‌اند. یکی از این مناطق خرد، منطقه‌ی کوچک دبی در امارات متحده‌ی عربی با نفت کم ولی دل و جرأت زیاد است. حقیقت این است که امارات متحده‌ی عربی، مالیات دریافت نمی کند، یا کمپانی‌ها را شبیه برخی از بازارهای سهام غربی تحت فشار قرار نمی‌دهد. بانک‌های عمده و اتاق‌های بازرگانی دفاتری در بخش جدید مالی دبی گشوده‌اند.

دبی به عنوان یک مشتاق برازنده جهانی شدن، هزاران مهاجر را از آسیا، خاورمیانه و اروپا جذب کرده است. حدود ۸۰٪ از جمعیّت ۱/۲ میلیون تنی دبی مهاجر است. نیروی کار از بنگلادش، سریلانکا و سرزمین‌های فلسطینی تأمین می‌شود. اجرای پروژه های بزرگ ساختمانی مانند جزایری که به شکل درخت نخل ساخته شده(این پروژه به نام جزیره نخل و به طول ۶ کیلومتر و به شکل درخت نخلی با هزینه ای معادل ۲ میلیارد دلار درحال ساخت است (نقیه، ۱۳۸۳: ۲۲)، امکانات تفریحی را برای ثروتمندان و انزواطلبان به‌وجود

1- Client Strategy ,2- Competitive Strategy ,3-Isolation Strategy 4-Doing not at all Strategy

آورده است. بعضی و قتها ستاره‌های درخشان ورزش فوتبال از قبیل؛ دیوید بکام و غیره در آنجا ساکن می‌شوند.

جریان مردم، سرمایه و نیروهای متخصّص از طریق سیاست‌های بازهوایی[1] دوبی سرعت گرفته است. علاوه برمالکیّت خط هوایی امارت توسط دبی، نرخ‌های پایین باعث ختم بسیاری از مسیر خطوط هوایی به دوبی شده است(The Global top 20,2006:81).

درجمع بندی نهایی که از شهر های جهانی توسط گروه لابورد صورت گرفته، سه راه حل برای ارتباطات بین شهرها پیشنهاد شده است:

۱. تحلیل‌های انتقادی از روزنامه‌های تجاری اصلی (تایمز مالی و...)در صد نقل و قول‌های شهری بین ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵؛

۲. ردیابی مهاجرت نیروهای متخصّص باپرسشنامه، که حرکت مهاجرین از لندن و نیویورک بوده است؛

۳. تحلیل تفصیلی از ارایه دهندگان خدمات، به ویژه ساختار شعبات اداری ارایه دهنده خدمات گسترده‌ای مانند حسابداری و حقوق.

براساس راه حل‌های بالا گروه لابورد، چهار بخش شهرهای جهانی را مشخص کرده که عبارت‌اند از : ۱. حقوق، ۲. بانکداری، ۳. بازاریابی و ۴. حسابداری، اگر شهری بخواهد در سطح جهانی باشد، باید رتبه ۳ از ۴ بخش داشته باشند. در گروه اوّل شهرهایی مانند، نیویورک، لندن، پاریس، توکیو قرار می گیرند، در گروه سوم شهرهای جهانی که حداقل دو بخش را داشته باشند، شهرهایی مانند، رم، بانکوک، ملبورن، کوالالامپور و...قرار دارند، شهرهای ایران در هیچ یک از این طبقه بندی‌ها قرار نمی گیرد.(اسکات، ۱۳۸۴ :۷۸)

بنابراین براساس مطالعاتی که توسط مراکز جهانی در خصوص جهانی شدن شهرها انجام گرفته است نیز مشخص شد، که شهرهای ایرانی درهیچ‌یک از رده بندی‌های شهرهای جهانی قرار نمی‌گیرند، بنابر این شهرهای ایرانی با چالش‌های جدّی در فرآیند جهانی شدن روبرو هستند که باید برطرف شود، این چالش‌ها و مشکلات به شرح زیر خلاصه شده‌اند:

1. open –skies

چالش‌های پیش روی جهانی شدن شهرهای ایرانی

همان‌طور که در ابتدا گفته شد، شهرها زیر سیستم ملّی هستند و به هر اندازه که کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی شده باشد، به تبع آن شهرها نیز دچار تغییر و با سیستم جهانی سازگار می شوند. به‌خاطر این‌که بر اساس نظریّه‌ی کاستلز، در شبکه‌ی جهانی شهرها کانون ارتباط و پیوندانـد و بـه عنوان مراکز ساخت، بازاریابی و مصرف عمل می‌کنند. چنانچه سیستم کلّی کشور دچار تغییرات ساختاری شود، شهرها در این راستا به عنوان کانون‌های شبکه، سرعت جهانی شدن را افزایش می دهند. تجربیّات کشورها نمایانگر این واقعیّت است، گذار از سیاست‌های کنترل دولتی به سمت سیاست‌های آزادسازی اقتصادی (نمونه چین از دهه‌ی ۱۹۸۰ به این طرف)، عضویّت در سازمان تجارت جهانی، حذف تعرفه‌های اقتصادی و در واقع بکارگیری شاخص‌های جهانی شدن کوف[1] و ای.تی.کیارنی[2] گام‌های اساسی در راستای جهانی شدن هستند. در واقع چالش‌های پیش روی جهانی شدن شهرهای ایرانی، همان شاخص‌ها و متغیّرهایی هستند که در گزارش «کوف» و «کیارنی» ذکر شده است.بنابر این شهرهای ایرانی هم باید به لحاظ نرم افزاری (قوانین ومقرّرات، سیاست‌ها و ساختارها) و سخت افزاری (تأسیسات، تجهیزات و امکانات) و هم به لحاظ سازگاری فرهنگی- سیاسی (شبیه الگویی که کلانشهر استانبول در کشور ترکیه اتخاذ نموده) دچار تغییر شوند. به طور کلّی مهمترین چالش‌های پیش روی شهرهای ایرانی، به ویژه شهرهای مناطق آزاد اقتصادی(۲۰ منطقه) (http://www.iraneconomics.net) که به عنوان دروازه های ورودی برای توسعه‌ی کشور عمل می کنند و تجربه‌ی چنین مدخل‌های ورودی در کشورهای چین و هند وجود دارد ، عبارت‌اند از:

۱. مشکلات فرهنگی(تفاوت نگرش جمهوری اسلامی به مسایل فرهنگی جهانی و ناسازگاری آنها با یکدیگر)؛

۲. مشکلات ساختاری شامل عدم سرمایه گذاری دولت در زیر ساخت‌های توسعه‌ی مناطق آزاد؛ مانند: تأمین شبکه‌ی برق، آب شیرین،گاز، تأسیسات شهری، سوخت (گرانی چهار برابر سوخت در منطقه‌ی آزاد کیش در مقایسه با سرزمین اصلی)، تغییرات متعدّد کاربری طرح‌های توسعه؛

۳. ضعف سیستم مالی و بانکی در سطح مناطق آزاد اقتصادی، شبکه‌ی حمل و نقل هوایی؛

۴. مشکلات مدیریتی (مدیران کم تجربه و ناآشنا به مسایل بین المللی)؛

---

1. Kof
2. A.T.Kearney

۵. خلأ و ضعف‌های قانونی از قبیل عدم ثبات قوانین مناطق آزاد اقتصادی و ناکافی بودن آنها و اصلاح برخی از آنها از جمله (قانون اجاره پانزده ساله اجاره‌ی زمین وغیره).(http://www.freezones.ir)

نتیجه

این فرضیّه که جهان در حال شهری شدن است، واقعیّتی در حال وقوع است، زیرا بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ فقط ۲۹٪ جمعیّت جهان (۷۳۴میلیون تن) در شهرها زندگی می کردند، این نسبت در سال ۱۹۹۴ به ۴۵ ٪ (۲/۵ میلیارد تن) رسید و انتظار می رود در دهه‌های اوّل قرن بیست و یکم به بالاتر از ۶۰٪ برسد.(رهنما و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۹) همچنین این فرضیّه نیز که شهرها به تدریج جهانی می شوند، واقعیّت دیگر در حال وقوع است. آمارهای موجود نشان می دهد که در دهه‌ی ۱۹۵۰ فقط ۸۳ شهر «میلیونی»(با جمعیت بیش از یک میلیون تن) وجود داشت و اغلب آنها در جهان توسعه یافته قرار داشته‌اند. امّا در سال ۱۹۹۵ تعداد شهرهای «میلیونی» به رقم ۲۵۳ شهر رسیده است.که بیشتر آنها هم در کشورهای در حال رشد قرار دارند. این چنین قطبی شدن و مرکزگرایی جمعیّت شهری، توازن نظام‌های اسکان را ضروری می سازد، رشد سریع و کنترل نشده این تمرکز گرایی، تبعات اقتصادی،اجتماعی و کالبدی خاصّی را مطرح می کند، که از آن جمله است: کمبود زیر ساخت‌ها و خدمات اساسی، کمبود مسکن، ازدحام جمعیّت و تراکم، مسایل زیست محیطی، آسیب‌های اجتماعی و مانند اینها(رهنما، ۲۰۰۷: ۱۸۲).

بنابر این در چنین شرایطی که شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها امری اجتناب ناپذیر است، درنتیجه باید در سطح سیستم ملّی و شهری ایران گام‌های اساسی برای جهانی شدن در دو سطح ملّی و شهری برداشته شود، که دو حالت ممکن است اتفاق افتد:

۱. گزینه‌ی پذیرش اجباری جهانی شدن است که از آن به «جهانی کردن»[1] یاد می شود، که امری نا خواسته، اجباری، غیر ارادی و تحت فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین المللی به وقوع می‌پیوندد. پذیرشی نه چندان معقولانه و موجب اتلاف منابع و از دست رفتن فرصتها است.

1. Globalizing

۲. گزینه پذیرش اختیاری جهانی شدن[1] است. پذیرش اختیاری جهانی شدن، نیازمند به داشتن جسارت‌آمیز گام‌های اساسی در راستای اصلاح ساختار تصمیم گیری، مشارکت پذیری و ادغام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در فرآیند جهانی شدن است. یعنی در واقع سازگاری تدریجی با بخش عمده‌ای از شاخص‌های پیشنهادی جهانی شدن کوف و ای.تی. کیارنی.

منابع و مآخذ:

۱. آلبرو، مارتین(۱۳۸۱)، *عصر جهانی، جامعه شناسی پدیده جهانی شدن*، ترجمه‌ی نادر سالار زاده امیری، تهران، نشر آزاداندیشان، چاپ اوّل.

۲. اسد سنگابی، کریم، ساداتیان،جلال(۱۳۸۰)، *جهانی شدن ؛بزرگراه چپاول و سهم کشورهای در حال توسعه*، سازمان عقیده سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، تهران.

۳. افروغ، عماد(۱۳۸۲)، *سرمایه داری، نقطه کانونی، جهانی شدن*، نگاه حوزه، مشهد، شماره ۹۹-۹۸.

۴. ایران زاده، سلیمان(۱۳۸۰)، *جهانی شدن و تحوّلات استراتژیک در مدیریت و سازمان*، انتشارات ثمر، تبریز.

۵. توسلی، غلامعباس(۱۳۸۱)، *جهانی شدن و تأثیر آن در ایران*، باور، دوره جدید، شماره ۱۱.

۶. تهرانیان، مجید و دیگران (۱۳۸۰)، *جهانی شدن، چالشها و ناامنی‌ها*، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اوّل.

۷. جان اسکات،آلن(۱۳۸۴) *جهانی شدن شهر- منطقه های جهانی*، مترجم، کاظمی، پانته آ، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

۸ الحمادی، عبدا... (۱۳۸۱)، *ما و مظاهر جهانی شدن*، ترجمه‌ی عبدالله نکونام قدیمی، همشهری، سال هشتم، شماره ۲۲۴۳.

۹. رابرتسن، رونالد(۱۳۸۵)، *جهانی شدن، تئوریهای اجتماعی، و فرهنگ جهانی*، مترجم: کمال پولادی، نشر ثالث، تهران،چاپ سوم.

۱۰. رامش، میشرا(۱۳۸۴)، *جهانی شدن و دولت رفاه*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

۱۱. رهنما، محمد رحیم، نادمی، داوود(۱۳۸۵)، *شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها*، گزارش طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد.

1. Globalization

۱۲. سلیمی، حسین(۱۳۸۰)، *فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.

۱۳. سلیمی، حسین(۱۳۸۴)، *جهانی شدن، نظریّه‌های گوناگون در باره جهانی شدن*، سمت، تهران.

۱۴. شکورزاده ، ابراهیم(۱۳۷۲)، *ده هزار مثل فارسی* ، مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

۱۵. صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، *مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.

۱۶. صرافی، مظفر(۱۳۷۷)، *تمرکززدایی کلانشهرهای کشورهای جنوب*، ماهنامه‌ی معماری و شهرسازی، تهران، شماره‌های ۴۹–۴۸.

۱۷. کاستلز، امانوئل(۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای، اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد اوّل، مترجم: علیقلیان، احد و خاکباز، افشین، انتشارات طرح نو، تهران.

۱۸. کاستلز، امانوئل(۱۳۸۴)، *عصر اطّلاعات، پایان هزاره، اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد سوم، مترجم: علیقلیان، احد و خاکباز، افشین، انتشارات طرح نو، تهران.

۱۹. کیانی، داوود (۱۳۸۰)، *فرهنگ جهانی؛ اسطوره یا واقعیت*، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان.

۲۰. گیدنز، آنتونی، (۱۹۹۹)، *گفتاری در باب فرآیند فروریختن مرزهای ملی وبومی در جهان*، ترجمه‌ی ملیحه مغازه‌ای، تهران، علم وادب، چاپ اوّل.

۲۱. لومای، کنیچی، (۱۹۹۵)، *اولویّت منطق جهانی*، ترجمه‌ی رضا رضایی، فصلنامه‌ی فراز، تهران، پاییز و زمستان.

۲۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، *هویت ملّی در عصر جهانی شدن*، فصلنامه‌ی مطالعات ملّی، سال دوم، شماره ۵.

۲۳. محمدی، محمد، طالبی، رضا(۱۳۸۵)، *جهانی شدن* http :// www. industryinfobase. Ir /cofarsi /science /article. asp?Id=ARE1645

۲۴. نصری، قدیر(۱۳۸۰)، *در چیستی جهانی شدن*، تأملی نظری در سمت و سرشت آهنگ جهانی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال چهارم، شمار سوم.

۲۵. نقیه، حمید(۱۳۸۳)، *نخستین کتاب به زبان فارسی درباره‌ی دبی*، انتشارات پلاس پوینت.

26. Fulong Wu, Laurence J.C.Ma (2006) *Transforming china's globalizing cities*, *Habitat international*, 30,191-198.

27. Gallis ,Micheal ,Russell,James S.(2002) *World City* ,*Architectural Record* ,Vol,190,Issue 3.p70,

28. http://www.atkearney.com/shared_res/pdf/RFID-EPC_S.pdf

29. http://www.freezones.ir/Laws/FreeZonesLaw/tabid/131/Default.aspx

30. http://www.iraneconomics.net/fa/articles.asp?id=1626&magno=83

31. http:/web.ebscohost.com/ehost/delivery?vid=5&hid=116&sid=b2baf49f-60b1-4f1b-8eccc-ce91279…2007/01/16

32. J.V. Beaverstock , R. G. Smith, H. *Lorimer* (2000)*Globalization and world cities*: some measurement ,methodologies*, Applied Geography*, 20,43-63
33. Laudiciana Paul & David Bosco, *Globalization index*, http:/yaleglobal. yale. edu/ display. article?id =8313
34. Measuring Globalization, http://www.foreignpolicy.com
35. Meekam Ng & Petter Hill (2003) *World cities or grate cities*? A comparative study of five Asian metropolises ,*Cities* ,vol,20,No.3,pp.151-165
36. Methodology, http://www.atkearney.com/main.taf?p=5,4,1.
37. Rahnama,Mohammad Rahim(2007) *Obstacles, Problems and Approaches of Globalization of Iran's* Cities, Globalization: Migration, Citizenship, and Identity, Ibadan, Nigeria,
38. Shaw. Annapurna & M.K. Satish (2006) *Metropolitan restructuring in post-liberalized India: Separating the global* and local, Cities Volex. No. pp1-3(article in press)
39. The fifth annual A.T.Kearney /*foreign policy Globalization Index* http: // www. atkearney. com/ main. taf?p=5,4,1,116
40. The Global top 20, (2006) A.T.Kearney,inc.http ://www.A.TKearney.com 30-2005 Globalization Index Data and
41. Yehua Dennis Wei,Chi Kin Leung ,Jun Luo(2006) Globalizing Shanghai: foreign investment and urban restructuring ,Habitat International ,30, 231-244 , http://www.atkearney.com/main.taf?p=5,4,1,1165-